



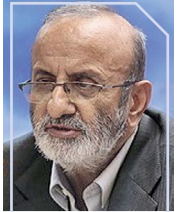
حمید سبزواری (شاعر)

امیر حسین فردی (نویسنده)

ابوالفضل علی‌اکبرالیست)



ابوالفضل علی‌اکبرالیست)



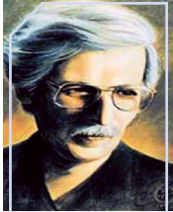
حسن شایبانفر (محقق)



شهید رسول کافانژنآ (نگار)



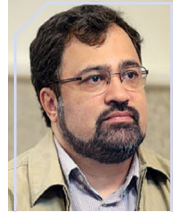
شهید احمد زارعی (شاعر)



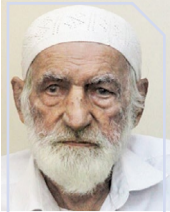
مهرداد اوستا (شاعر)



حسن روح‌الامین (نقاش)



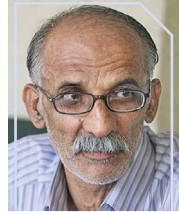
سربینام نظیفی (آرشیات‌پژ)



حبیب‌الله معلمی (شاعر)



علیرضا قرظو (شاعر)



محمد علی کوبینی (نویسنده)



علی محمد مؤبد (شاعر)



محمد مهدی سیار (شاعر)



سیمین‌دخت وحیدی (شاعر)



امیرحسین ضلواتیان (نویسری)

پس از شهادت شهید سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، موجی از ارادت و عشق به این شخصیت مقاومت در سطح جهانی آغاز شد. هنرمندان از نقاط مختلف جهان، با خلق آثار هنری بی‌ظنیر، یاد و خاطره این شهید بزرگ را گرامی داشتند و نقش ویژه‌ای در انتقال پیام مقاومت و ایستادگی ایفا کردند. از نقاشی‌های دیجیتال گرفته تا کاریکاتورها و آثار دستی، هنرمندان ایرانی، عراقی، یمنی و سایر کشورها در خلق آثار خود، بر تأثیرات معنوی و انقلابی سید حسن نصرالله تأکید کردند.

هنرمندان عراقی:

چهره‌های متفاوت از سید مقاومت

در عراق، هنرمندان با خلق نقاشی‌هایی که چهره سید حسن نصرالله را در مقابل چهره‌های دشمنان، از جمله نتانیاهو، قرار می‌دهند، به تصویر کشیدند که سید مقاومت چگونه به عنوان نماد ایستادگی در برابر دشمنان شناخته می‌شود.

این آثار هنری با رنگ‌های زنده و خطوط برجسته، پیام‌های مقاومت و جهاد را به نمایش می‌گذارند. نقاشی‌های عراقی‌ها، نه‌تنها به تجلیل از شخصیت سید حسن نصرالله پرداخته‌اند، بلکه یادآور همراهی مردم عراق در جبهه مقاومت است و همبستگی میان ملت‌های مختلف را نشان می‌دهد. به‌طور مثال، هنرمندان عراقی در تصاویری که با ویژگی‌های خاص از سوی هنرمندان ایرانی و لبنانی‌الهام گرفته شده، چهره سید نصرالله را در برابر دشمنانش به تصویر کشیدند.

هنرمندان یمنی:

کاریکاتورهایی از مبارزات سید نصرالله

در یمن، هنرمندانی همچون کمال شرف با خلق آثار کاریکاتوری، به جنبه‌های شخصیتی سید حسن نصرالله و ویژگی‌های بارز او در زمینه مقاومت و پایدندی به اصول و ارزش‌ها پرداخته‌اند.

کاریکاتورهای این هنرمندان با بهره‌گیری از زسان هنر کاریکاتور، پیام‌های مقاومت، پایداری و دفاع از حقوق مردم را با زبان ساده و مستقیم به تصویر کشیدند.

این آثار، به ویژه در یمن که خود درگیر نبردهای فراوانی در راستای مقاومت است، با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد و هنرمندان این کشور، همچنان در تلاشند تا از طریق هنر، پیام‌های مقاومت و پایداری را به گوش جهانیان برسانند.



تجلیل هنرمندان از سید حسن نصرالله

هنر در خدمت مقاومت

یاد سید حسن نصرالله پرداخته و با نقاشی‌ها و کاریکاتورهای خود، تجلیل و احترام خاصی برای این شهید بزرگوار به ارمغان آورده‌اند. هنرمندانی همچون حسن روح‌الامین، با

ایران، عراق و یمن، بلکه در سطح جهانی با استقبال چشم‌گیری روبه‌رو شد. هنرمندان از کشورهای مختلف در حال تلاش برای انتقال پیام‌های انسانی و مقاومتی سید حسن نصرالله



درنگ می‌کنم. دلم به وسعت دریاها اندوهگین می‌شود و آقا صدایم را می‌شنود و تو هم می‌شنوی و من این را یقین دارم. بعد مرا در آغوش می‌گیری، درست مثل سال‌های پیش، شگوفه‌های خنده را نثارم می‌کنی.

نگاه می‌کنی، دلت برایم می‌سوزد و می‌بینم دستت بر سرم می‌کشی. صدایم می‌ارزد و می‌گویم: «بابا، تسبیح سبز رنگ و متبرکت…» و همراه اشک می‌گویم: «بابا گم شده، من امانتدار…» و دوباره اشک‌هایم از روی صورت نحیف و لاغرم سر می‌خورد. می‌بینمت که بلند می‌شوی.

چشمه‌ات هنوز مثل آن وقت‌ها روی شانه‌هایت افتخار می‌کند. عبورت را نظاره می‌کنم. تو می‌خندی و بالا می‌روی و قاطی کبوتران حرم می‌شوی. و می‌بینم در کنار ضریح، پرندهای سپید پال می‌زند و بعد تا شانه‌های آسمان با کبوترهای حرم پرواز می‌کنند.

صدایت می‌کنم: «کاش پیشم می‌ماندی!» اما تو را که نمی‌بینم، دلم غصه‌دار می‌شود. صدای دعا از هر طرف گوشم را نوازش می‌دهد. دعای کمیل را که باز می‌کنم، زمزمه می‌کنم: «اللّٰهی و ربی من لی غیرک…»

صورت‌تم خیس از اشک که می‌شود، دلم آرام می‌گیرد. دیگر سرم درد نمی‌کند و می‌بینم چقدر کوچکم. قطره بارانی که به صورتم برخورد می‌کند، مرا بیدار می‌کند و دوباره می‌شنوم: «اللّٰهی و سیدی و مولای…» بعد نگاه می‌کنم، میان انگشتانم تسبیخی بزرگ می‌درخشد.

بی‌اختیار چشمانم برق می‌زند. اشک‌هایم پشت پلک‌های خسته‌ام انتظار دین را می‌کشند. صدای آهنگین دعای کمیل

مادر را که روی سجاده‌اش نشسته، می‌شنوم و فقط مادر لبخند می‌زند و من شادمان از پیدا شدن آن. بعد تسبیح سر می‌خورد از میان انگشتان نحیفم و میان گل‌های قالی می‌افند و می‌بینم مانند فیروزه‌ای خوندا می‌کنی. گویی گل‌های بی‌جان قالی از طنز و باکسی آن جان گرفته‌اند. می‌خندم و صدای مادر توی گوشم می‌پیچد و باز می‌خوانم: «مولای و ربی صبر علی‌عدلیک…»

عهد عزت

نیره قدیری	
	
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>من این‌جا و دلم لبنان است</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>قیامت ضاحیه و سیل تشیع</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>از ۷۰ نقطه جهان</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>تشییع سید شهیدان.</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>بنامز به این شکوه، به این عزت.</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>آه که چقدر شوکیده‌ام تا در تشییع تو حضور داشته باشم و علم برآدم را بردارم.</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>وای که نشد، که نشد، که نشد.</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>شبی سخت بر ما گذشت.</div></div></div><div><div><div><div><div></div></div></div><div>پل مجازی زدم و با اخبار تو لحظه به لحظه همسفر شدم.</div></div></div></div>	

مرهم

زهر ا کلاته میمیری (همسر شهید علی دیمه)

در نگاهم
به نقطه اتصالی که چشمانی ست
در قاب عکس
تو را می‌خوانم…
مرایم بی‌بشی؟
صدایم را می‌شنوی؟
آخر تو خود می‌گویی: «فغ‌بردن از من، در زمان غیبتم،
مانند نف‌بردن از خورشید،
هنگام پنهان شدنش در پشت ابرهاست.
همانا من، ایمنی‌بخش اهل زمینم؟
همچنان که سستارگان، ایمنی‌بخش اهل آسمانند…»
اولاً تو همین جایی،
همین نزدیکی‌ها
میان آدم‌هایی که هر لحظه تو را می‌جویند
کنار فغسه‌های گاه و بیگاه
کنار تمام غم‌ها و بیانه‌ها
کنار زلفه و فرات در کرپلا…
«یا حجه‌بن‌الحسن، عجل علی ظهورک»
بر ترک‌های قلبم

روزی که منتظرش بودم…

مریم رفعتی
امروز بیشتر از سال‌های قبل خوشحال بودم. بالاخره چهارماه چشم کشیدم که تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ فرا برسد. قرار بود بین سرران و بزرگان حکومتی ۸۰ کشور دیده شوم و عکس و فیلمم دست به دست به تمام دنیا برسد.

حوال خیلی خوبی داشتم و به خود می‌بالیدم. وقتی هم ساعت‌ها قبل از شروع مراسم، آرام نوازشم کرد و مرا با گل‌های طبیعی آراستند، دیدم که زیبایی‌ام چگونه به‌چشم بقیه صدچندان شده، آخر سفیدی گل‌ها، ترکیب زیبایی با زردی تنم ایجاد کرده بود.

بیشتر از تمام لحظه‌های امروز، آن لحظاتی به خود بالیدم که گرداگرد بزرگ‌ترین فرمانده مقاومت آرام گرفت‌م و یادآوری جدش پیامبر(ص) را روی سینه‌ام گذاشتند.

همان لحظه بود که با افتخار به نگاه‌های مردم و به چشمان دوربین‌های دنیا خیره شدم و به آن‌ها فهماندم تا آخرین لحظه برای رسیدن به هدف فرمانده ایستادگی خواهم کرد و سرفراز بالا خواهم رفت. از خدا که پنهان نیست، از شما چه‌پنهان! اصلاً من انسان نیستم، هرچند در مقابل فرمانده مقتدرم زانو زدم و آرام اشک فراغ ریختم. باید متوجه شده باشید که هستم؟ درست است، من پرچم؛ پرچم فز حزب‌الله هم الغالبون، روی تابوت سید حسن نصرالله.

همین نزدیکی‌ها

مریم عرفانیان
از من و غم‌هایم خبرداری؟
هر جمعه، کنار پیچک سبز دعا
تو را می‌خوانم…
مرایم بی‌بشی؟
صدایم را می‌شنوی؟
آخر تو خود می‌گویی: «فغ‌بردن از من، در زمان غیبتم،
مانند نف‌بردن از خورشید،
هنگام پنهان شدنش در پشت ابرهاست.
همانا من، ایمنی‌بخش اهل زمینم؟
همچنان که سستارگان، ایمنی‌بخش اهل آسمانند…»
اولاً تو همین جایی،
همین نزدیکی‌ها
میان آدم‌هایی که هر لحظه تو را می‌جویند
کنار فغسه‌های گاه و بیگاه
کنار تمام غم‌ها و بیانه‌ها
کنار زلفه و فرات در کرپلا…
«یا حجه‌بن‌الحسن، عجل علی ظهورک»

صفحه ۸

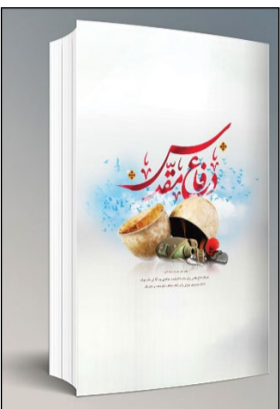
یکشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۳

اول رمضان ۱۴۴۶ – شماره ۳۳۸۰۹



نکته‌ای درباره مراسم انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس و مقاومت مبدأ ؟ مسیر؟ یا مقصد ؟

ابوالقاسم وردیانی



بسا ده دقیقه تأخیر خودم را به موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و آیین اختتامیه بیست‌ودومین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس، رساندم. هوا خیلی سرد بود و مدعوین یکی یکی و دوتا دوتا می‌آمدند. عاقبت با تأخیر مراسم شروع شد و سخنرانان شروع به سخن کردند. در خلال صحبت این عزیزان مولودی به ذهنم رسید که به نظر می‌رسد یا به طور کلی از آن غفلت کرده‌ایم و یا به صورت مطلوب به آن نپرداخته‌ایم.

بزرگوارانی که در این مراسم سخن گفتند، از سردار کارگر عزیز گرفته تا نایب رئیس مجلس و وزیر فرهنگ، همه در یادها و نبایدها سخن گفتند و البته سخن‌ها هم بسیار درست

و کارشناسانه بود اما در مورد اینکه چگونه باید به این یادها و نبایدها رسید و برنامه بلندمدت، برای رسیدن به این نقطه مطلوب چیست، حرفی به میان نیامد.

همه می‌دانیم که برگزاری این قبیل مراسم بسیار لازم و مفید است اما این ابتدای راه است و تا مقصد فاصله زیادی دارد. این قبیل مراسم به ما فرصت بازاندیشی و بازنگری در تولید آثار مطلوب‌تر ادبیات دفاع مقدس را می‌دهد و اینکه بعد از این چه باید بکنیم و مسیر چیست و مقصد کدام است، اینکه در این مراسم گفته شود که کتاب دفاع مقدس باید بتواند حکمت‌افزایی کند، سخنی بسیار درست است اما چگونه، و متولیان این امر در رسیدن به این مهم چه برنامه‌ای و یا حتی چه پیشنهادی داشته و یا دارند؟

اینکه ما باید برای هر شهید یک کتاب داشته باشیم، سخنی بسیار صواب و درست است، اما با چه کیفیتی و اینکه چگونه باید در این حجم تولید، به کیفیت مطلوب هم رسید؟ کتابی که خوانده نشود یا کتابی که اصلاً نوشته نشده هیچ فرقی ندارد.

به نظر می‌رسد که لازم است بعد از هر مراسم، گروهی تشکیل شود و به بررسی آثار منتخب بپردازد و معیارهایی علمی و درستی که بر مبنای آن آثار انتخاب شده‌اند، استخراج و معیارهای سلیقه‌ی-اجم از سلیقه شخصی، سیاسی، جناحی، جانب‌دارانه و… – کنار گذاشته شوند و در این مسیر، فرآیند داوری می‌تواند آسیب‌شناسی شود تا در مراسم بعدی داوری هم به نقطه مطلوب نزدیک‌تر شود و تا جایی که من می‌دانم این کار انجام نشده و یا اگر هم انجام شده باشد، بدون خروجی مفیدی برای ارتقای سطح ادبیات دفاع مقدس بوده است که اگر انجام شده بود ما شاهد اتفاقات بهتری در این حوزه بودیم.

و در نهایت باید نتیجه این بررسی‌ها و یادها و نبایدهای نوینسنگی و روش رسیدن و یا نزدیک‌شدن به کمال مطلوب در این حوزه، مدن و موضوع‌بندی شده و به صورت کلاس و یا مکتون آموزشی در اختیار نویسندگان علاقه‌مند قرار گیرد تا عیار آثار مکتوب ادبیات دفاع مقدس بالاتر رفته و ان‌شاء‌الله هر سال قردی رو به جلو برداشته باشیم.

امیدوارم که عزیزان و دست‌اندرکاران این وقایع فرهنگی مهم و تأثیرگذار، به این موارد به صورت جدی‌تر و کاربردی‌تر بنگرند و نتیجه‌بخشی و جنبه آموزشی و پیش‌برنده این مراسمات را از نظر دور ندارند.

هنر اسلامی و وحدت در عین تنوع فرهنگی

فائزه ریاحی

هنر اسلامی، به عنوان یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ هنر، نه تنها بازتاب‌دهنده فرهنگ و تمدن اسلامی است، بلکه گواهی بر تعامل عمیق میان دین، هنر و زندگی در سرزمین‌هایی است که اسلام در آنها گسترش یافته است. این هنر، که ریشه در تعالیم اسلامی و فرهنگ‌های متنوع منطقه دارد، توانسته است با ترکیب عناصر معنوی و زیبایی‌شناختی، آثار بی‌همتایی خلق کند که تا به امروز الهام‌بخش بسیاری از هنرمندان و اندیشمندان بوده است. از معماری مساجد و خوشنویسی قرآن تا هنرهای تجسمی و صنایع دستی، هنر اسلامی نه تنها بیان‌گر ایمان و اعتقادات مردم است، بلکه نشان‌دهنده وحدت در عین تنوع فرهنگی است. در این نوشتار، به بررسی ابعاد مختلف این هنر شکوهمند و تأثیر آن بر تمدن بشری می‌پردازیم.

هنر اسلامی شامل هنرهای تجسمی خلق شده در دنیای اسلام می‌باشد. هرچند ممکن است این هنرها در مواردی با تعالیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تأثیر فرهنگ اسلامی و منطقه از آن به‌خوبی نمایان است. هنر اسلامی یکی از دوران‌های شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به‌شمار می‌آید.

اسلام در منطقهای ظهور یافت که محل جولانگه دو امپراطوری بزرگ آن زمان یعنی ایران و روم بود. شکی وجود ندارد که هنر اولیه ما را اجداد متقدم‌اعراب به وجود آورده بودند و هنری که در دوره‌های متوالی رشد و نمو کرده بود، ساکنین اصلی اعراب آن را ساخته و پرداخته کرده بودند. مانند کلیسای ایاضوفیه که شاهکاری در هنر بیژانس و شم از شمار می‌گشت و به صورت آثار محکمی باقی ماند به نام‌های انتمیوس و ترانس بودند.

کنستانتین، پادشاه بیژانس، که این شهر را در سال ۳۱۱ به وجود آورد، هیچ ساختمانی در آن ساخت و هیچ یک از شیوه‌های متداول رومی را در آن پیاده نکرد در واقع هنر بیژانس مدیون دیگر هنرها از جمله هنر اسلامی است.

بعد از ظهور اسلام، این دین از نظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر جوامع تأثیر گذاشت. هنر نیز تحت تأثیر این دین در این جوامع دچار تغییر و تحولاتی شد و با نام جدید هنر اسلامی شناخته شد. البته که در آن زمان درخت‌اسلام در خارج از منطقه اعراب هم امتداد یافت و رشد نمود و با تمدن‌هایی که دارای ریشه‌های تاریخی مختلفی بودند، همزیستی کرد. اما آن اصول هنری که در درازگاه اصلی خود به وجود آمده است، منتشر گشت و به صورت آثار محکمی باقی ماند به خصوص که این آثار، پوششی از تفکر توحیدی که دارای ریشه قدیم نیز بود، بر تر کرد و هنر عربی به شکل یک هنر توحیدی که دارای مضمون ثابته که همان ایمان باشد، منتشر گردید. شکل و صورت این هنر به نحوی بود که مسلمانانی که با یکدیگر کار می‌کردند، ایمان‌شان یکی و هنرشان نیز یکی بود. این آثار هنری مهم بیشتر به جهت انجام عبادات و اجرای واجبات معنئی برپا شده بودند و برای تعالی و ایمان به خدای واحد و همچنین تعالی مفهوم انسان از هستی و وجودی یگانه بودند.



لازم است اشاره شود که علاوهبر معنویت، عوامل جغرافیایی هم سهم مهمی در ایجاد مشخصه هنر اسلامی داشته‌اند. این هنر در منطقه وسیعی گسترده شده که از خلیج بنگال گرفته تا قیانیوس اطلس امتداد می‌یابد و دارای مناطق آب و هوایی مختلفی بوده است.

با توجه به این شرایط جغرافیایی، هنر اسلامی تفکر خود را به صورت معماری و ساختمان‌سازی تحمیل نمود و شهرها وضعیت دیگری به خود گرفت. به تدریج کوجه‌ها باریک‌تر و پیاپه‌روها آفتاب‌رو شدند. خانه‌ها به طرف حیاط بزرگی که بیشتر شبیه به باغ بود باز می‌شد، حیاط خانه‌ها دارای حوض و برکه و درختان و باغچه زیادی شدند، درب خانه‌ها از بیرون قفل می‌شدند و اطراف آن آفتاب‌گیر و بادگیر بود. و حتی می‌توان گفت که اصطلاح «اسلامی» نه تنها به مذهب، بلکه به فرهنگ غنی و متنوع مردمان سرزمین‌هایی که آیین اسلام در آن رواج دارد با عوامل دیگر نیز اشاره می‌کند.

امروزه معتقدیم کسانی که این هنر را ایجاد کرده‌اند، در واقع مردمانی هستند که به عقیده مشترکی ایمان آورده‌اند و این هنر معلول سلطه حکومت خاصی نیست که در ترغیب یا از بین بردن هنر نقشی داشته باشد. این سخن مارسیه را نایدیم می‌کنیم که می‌گوید: مرزهای سیاسی به خصوص در مناطق اسلامی، نمی‌تواند مانع باشد و سد ایجاد نماید. چنان‌که مرزهای هنری دارای کمترین مانع هستند و سرزمین‌هایی که هنر اسلامی در آنها نمایان می‌شوند در واقع استان‌هایی هستند که در یک امپراطوری معنوی، یا اتاق‌هایی در یک منزل مسکونی هستند که همان منزل اسلام است. فقط با این تفاوت که یک ارتباط دائمی بین آنها برقرار است. استفاده از اسامی کشورها یا اسامی حکومت‌ها برای تمیز دادن مشخصات مختلف هنری نیست، بلکه هنر اسلامی به صورت یگانه متولد گشته و استمرار دائمی پیدا کرده و ما وحدت و یگانگی آن را در شکل و مضمون به طور واضع می‌بینیم. بنابراین اگر ما به یک جلد قرآن چاپ ترکیه نگاه کنیم یا حوض آب اسپانیایی، یا سمشیر دمشقی، یا پارچه موصلی یا آفتابه می‌سانی، بدون تردید ما در نسبت آن با هنر اسلامی شک نمی‌کنیم. در آخر هنر اسلامی نه تنها هنری است که به طور خاص در خدمت دین اسلام ایجاد شده بلکه به توضیح هنر و معماری تاریخی در سرزمین‌های تحت حکومت مسلمانان نیز می‌پردازد. از آنجایی که اسلام نه تنها یک دین بلکه یک شیوه زندگی است، فرهنگی متمایز را با زبان هنری منحصر به فرد خود در سراسر جهان اسلام منعکس کرده است. این هنر معنوی به روز و جهانی، بیشتر خاصیت انزاعی دارد و مقید به زمان و مکان خاصی نیست. هنری توحیدی است و همه چیز را به یک مبدا واحد رجعت می‌دهد، آنچه در معماری مساجد، خطوط و حروف در خوشنویسی قرآنی، شعر و… دیده می‌شود از این قبیل می‌باشد.